

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین سعیدی (سعید افغانی)
۱۴ جنوری ۲۰۱۸

نعمت زبان

۲

آخرین یاد آوری:

نباید فراموش کرد که سخن های ما حرف به حرف، ونقطه به نقطه ثبت وضبط گردیده جوابگوی صحبت های خویش در دنیا و آخرت می باشیم، باید طوری صحبت کنیم که فردا در روز قیات، به علت الفاظی که از دهانمان خارج شده، سرافکنده و شرم سار نشویم و باید شخصیت والای خویش را از جواب بالمثل و به اصطلاح آوردن چنین کلماتی بی ارزش، کوچه پی و کم سویه نگاه کنیم.

تقاضای اعضای بدن از زبان:

زبان در جسم انسان از چنان مقام و منزلتی برخوردار است، که صبحانه تمام اعضای بدن با احترام خاص به پیش زبان آمده، از زبان احترامانه تقاضای احتیاط را به عمل می آورد، و برایش عرض می دارند و می گویند: ای زبان! در حق ما تقوای الهی را پیشه کن و از خدا بترس؛ زیرا اگر تو راست و درست باشی و به نیکی سخن بگویی و حرف های بد و غلیظ و بیهوده نگوئی، ما هم به خوبی و درستی عمل می کنیم. اصلاح کار ما به عمل تو وابسته است، ولی اگر کج روی کنی و سخن بد و بیهوده از تو صادر شود، ما نیز به واسطه عملکرد تو کج و به کار های بد آغشته خواهیم شد.

در این مورد حدیثی داریم که از «سعید بن جبیر» روایت است که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «اذا أصبح ابن آدم أصبحت الاعضاء كلها تستكفي اللسان انی تقول اتق الله فينا فانك ان استقممت استقمنا و ان اعوججت اعوججنا»

(هنگامی که فرزندان آدم صبح می کنند تمام اعضای بدن به زبان هشدار می دهند و می گویند تقوای الهی را در مورد ما مراعات کن، چرا که اگر تو به راه راست بروی ما نیز به راه راست می رویم و اگر تو به راه کج بروی ما نیز به راه کج می رویم!)

بناءً ما انسانها که هر روز از خواب بیدار می شویم باید به زبان خود توصیه کنیم و آن را در کنترل خود داشته باشیم

ما زمانی که صبح از خواب بیدار می شویم، باید مراقب خطرات زبان خویش باشیم، زیرا همین عضو بدن انسان را به اوج سعادت می رساند و همین زبان است که انسان را بر خاک ذلت و شقاوت می نشاند. می گویند شخصی به حضور رسول الله صلی الله علیه وسلم آمد. پیامبر صلی الله علیه وسلم برایش فرمود: می خواهی تو را به امری رهنمائی کنم تا پرودگار به وسیله آن، تو را اهل جنت بسازد.

مرد در جوابش فرمود: بلی یا رسول الله.

پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: آنچه الله به تو نعمت داده، به دیگران عطاء کن. «عرض کرد: اگر خودم نیاز مندتر باشم، چه کنم؟ حضرت فرمود: «شخص مظلومی را یاری کن.» گفت: اگر خودم مظلوم تر و ناتوان تر بودم، چه کنم؟ فرمود: شخص نادان و نا آگاهی را رهنمائی کن! گفت: اگر خودم از او نادان تر و ناآگاه تر بودم، چه کنم؟ حضرت فرمود «از زبانت مراقبت کن و جز در موارد نیک از آن استفاده نکن!» سپس حضرت فرمود «آیا خوشحال نمی شوی که یکی از این خصوصیت ها را انجام دهی تا به واسطه آن به جنت بروی.»

باید دانست که خطر زبان زیاد است جز با سکوت، نمی توان از آن نجات یافت. از این رو هدایت و دستور دین مقدس اسلام است که از هر حرفی جلوگیری کنیم و سکوت را اختیار نمائیم. اسلام با صراحت تام می فرماید: «هر کس سکوت کند نجات یابد».

درد زبان:

همانطوری که زبان یکی از پربرکت ترین اعضای وجود انسان می باشد، در ضمن یکی از خطرناکترین اعضاء نیز به شمار می رود. زبان هم آفات دارد و هم خطرات، آفات و گناهای که به وسیله زبان صورت می گیرد، توسط سایر اعضای بدن کمتر به وقوع می پیوندد، دردی که از ناحیه زبان صورت می پذیرد، نسبت به سایر اعضاء بسیار کم و یا زود گذر است ولی درد زبان ابدی و تا اواخر عمر باقی می ماند. چنانچه در این مورد ضرب المثلی داریم که می گویند درد هر چیز می رود ولی درد زبان نمی رود، و حتی دردش ابدی می باشد. برای تقلیل ضرر از ناحیه زبان همانا کم حرفی و جلوگیری از باوه سرائی، است. باید انسان از تمسخر و استهزای دیگران، از غیبت و سخن چینی، نفاق و دشمنی و در نهایت نا سنجیده سخن گفتن، تهمت، شهادت باطل، خود ستائی و آزار دیگران، جلوگیری کند.

کم سخن گفتن:

زبان ساده ترین و کم مصرف ترین وسیله ای است که در اختیار انسان قرار دارد، و سرعت عمل آن به اندازه ای سریع است، که نمی توان به هیچ یک از اعضای دیگر بدن مقایسه کرد، بناءً در کنترل و مراقبت آن باید از احتیاط کار گرفت.

زبان سخنگوی عقل و اندیشه و شخصیت انسان است. استفاده از زبان هم در جهت خیر و هم در جهت شر امکان دارد. به اندازه ای که نعمت بیان و زبان مفید و ارزشمند است، به همان اندازه آفات آن زیانبار و ناپسند بوده می تواند. باید گفت همان گونه که هیچ عبادتی نزد خداوند برتر از سخن حق نیست، هیچ گناهی بالاتر از سخن باطل نمی باشد. این را هم باید توجه داشت، همان طور که بیشتر گناهان با زبان انجام می شود قسمت مهمی از عبادات و اعمال نیک از قبیل ذکر خدا، ارشاد مردم، تعلیم و تربیت، امر به معروف و نهی از منکر و جهاد، با سخن گفتن و زبان انجام می شود.

تعدادی کثیری از آیات قرآنی براین مفهوم عالی تأکید می کند ، این که اندک سخن گفتن و یا هم در مواردی سکوت نمودن ، موجب تقلیل بسیاری از لغزش ها می گردد.

این بدین معنی است که هر قدر انسان کمتر سخن بگوید و یا هم بیشتر سکوت اختیار کند، به همان اندازه بیشتر درامن و سلامتی بهتر زندگی خواهد کرد.

انسان باید در زندگی خویش کم سخنی را ریاضیت کند و به هر اندازه ای که این تجربه را آزمایش کند، لغزشهای او کمتر می شود.

علماء بدین باور اند که ممارست و ریاضت کم سخنی در نهایت موجب آن می گردد که جلو زبان خویش را در اختیار خود قرار داده و مانع طغیان و سرکشی زبان گردید که در نهایت جز حق نگوید و جز به رضای خداوند سخن نراند.

هدف از کم سخن گفتن و یا هم سکوت ، سکوت مطلق نیست ، زیرا بسیاری از امور زندگی از طریق سخن و استدلال و منطق حل می شود ، هدف در این مورد همان « قلة الكلام » (کم سخن گفتن) یا به تعبیر دیگر، خاموشی، در برابر سخنان فساد انگیز یا مشكوك و بی محتوا و مانند آن است.

سکوت ، انسان را در مقابل بسیاری از گناهان بیمه می کند و او را به فکر و اندیشه که سرچشمه حیات معنوی اوست دعوت می کند، به همین دلیل انسانهای پرمایه و اهل علم سکوت را پیشه می کنند، بالعکس انسانهای پرحرف غالباً کم مایه اند و کمتر از خود عمل نشان می دهند.

می گویند سکوت بهترین وسیله برای زنده کردن نیروی اندیشه است زیرا هنگام سخن گفتن نیروهای فراوان فکری مصرف می شود.

اگر این انرژی ذخیره شود نیروی عظیمی را تشکیل خواهد داد که به وسیله آن حقایق بزرگی را می توان درک نمود، به علاوه سکوت آرامش بخش روح و تعدیل کننده احساسات است و پرحرفی که نقطه مقابل سکوت است انسان را لاابالی بار می آورد ، زیرا لغزشهای انسان را زیاد و حیاء را کم می کند و با شکسته شدن سدّ حیاء، که نتیجه کثرت لغزشهاست اعمال خلاف را برای شخص ساده می نماید.

به یاد داشته باشید : در روزگار زندگی بسیاری از انسانها دیده شده ، که از سخن گفتن پشیمان شده اند ، اما به خاطر سکوت کمتر مردم اظهار ندامت می کنند.

لقمان به فرزندش فرمود: « فرزندم چه بسا که من در اثر گفتار پشیمان شده ام اما به خاطر سکوت افسوس نخورده ام . » (بیهقی ، ۱۶۶ ، ۱۳۷۶)

از دانائی پرسیدند چگونه می توان به میزان عقل کسی پی برد؟

پاسخ داد: از حرفی که می زند.

پرسیدند: اگر چیزی نگفت چه؟

پاسخ داد: هیچ کس آنقدر عاقل نیست که همیشه سکوت کند.

جلو زبان را باید در اختیار داشت:

بر مسلمان واجب است که زبانش را حفظ کند و چیزی نگوید که موجب غضب الهی قرار گیرد، چه بسا انسان سخنی بر زبان جاری کند و چنین بیندارد که سخنش چیزی نبوده حال آن که موجب عقاب و عذاب او بشود.

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : « إِنَّ الْعَبْدَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مَا يَتَّبِعُن فِيهَا، يَزِلُّ بِهَا فِي النَّارِ أَبْعَدَ مِمَّا بَيْنَ الْمَشْرِقِ » بخاری (۶۴۷۷) وفي مسلم (أبعد ما بين المشرق والمغرب) (۲۹۸۸).

یعنی : « گاهی بنده خدا حرفی می‌زند که درباره آن فکر و دقت نمی‌کند، ولی این حرف باعث می‌شود به دوزخ بلغزد (و به قدری در آتش فرو می‌رود) که از فاصله مشرق و مغرب بیشتر است».

و در روایتی آمده که فرمود : « إِنَّ الرَّجُلَ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ لَا يَرَى بِهَا بَأْسًا يَهْوِي بِهَا سَبْعِينَ خَرِيفًا فِي النَّارِ » (ترمذی ۲۳۱۴).

یعنی : « گاهی انسان سخنی بر زبان جاری می‌کند که از نظر او مهم نیست اما (نمی‌داند که با) گفتن آن به اندازه هفتاد سال به جهنم فرو می‌رود».

بلال مزنی رضی الله عنه روایت کرده که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند : « وَإِنَّ أَحَدَكُمْ لَيَتَكَلَّمُ بِالْكَلِمَةِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ مَا يَظُنُّ أَنْ تَبْلُغَ مَا بَلَغَتْ، فَيَكْتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِ بِهَا سَخَطَهُ إِلَى يَوْمٍ يَلْقَاهُ » ترمذی (۲۳۱۹) وصححه الألبانی فی صحیح الترمذی .

یعنی: « ممکن است کسی از شما سخنی که سبب غضب خداوند شود بگوید و گمان نکند که بدی و عذاب آن سخن، به آن درجه برسد که رسیده است و به علت آن، خداوند غضبش را تا روز لقاء الله برای او می‌نویسد». و پیامبر اسلام محمد صلی الله علیه وسلم فرمود : « مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا، أَوْ لِيَصْمُتْ » متفق علیه. یعنی: «هرکس به خدا و روز قیامت ایمان دارد، یا سخن نیک بگوید، یا ساکت باشد».

فکر کردن قبل از سخن گفتن:

فکر کردن قبل از گپ زدن علامه تعقل است و گپ زدن بدون تعقل علامه بی عقلی است انسان عاقل قبل از این که سخن می‌گوید اول باید فکر کند که چه باید بگوید . و یا به تعبیری دیگر انسان باید در هنگام سخن گفتن تأمل کند که سخن بیهوده از دهنش خارج نگردد ، زیرا اگر در گفتار، زمام اختیار زبان از کف بدر آید ، عواقب سوء و زیانباری را به دنبال خواهد داشت.

قبل از این که انسان سخنی را بیان می‌دارد ، اولاً باید به محتوا و انگیزه و نتیجه سخنان خود کمی فکر کند و سخن باسنجش از زبان بیرون کند ، یقین داشته باشید که اگر انسان در زندگی خویش همچو روش را ممارست کند از بسیاری از لغزشهای زبان و گناهان، نجات خواهد یافت.

معجزه زبان:

طوری که یاد آور شدیم ، زبان عضو معجزه آسای بدن و یکی از اساسی ترین اعضای انسان به شمار می‌رود، و مقام و منزلت خاصی ، در عزت آفرینی و نیز در سقوط انسان ها، بازی می‌کند.

در طول تاریخ ، زبان ، مؤثرترین و آسان ترین ابزار برای ارتباط، ترجمه و بیان احساس های درونی، آموزشی میراث فکری بشر و انتقال فرهنگ و تجربه ها از يك نسل به نسل دیگر بوده است . زبان می‌تواند چون شمشیر برنده عمل کند و سر گوینده اش را بر باد دهد یا نابینائی را از افتادن در چاه رهایی بخشد. زبان را می‌توان سخن گو و نماینده دیگر اعضای بدن انسان دانست که می‌تواند آسایش و راحتی آنها را فراهم کند یا درد سر ساز باشد.

بنابر این روایت ، زبان عضو سرکشی است که اگر صاحبش ، آن را به حال خود واگذارد، نه تنها به دیگران ، بلکه خود او را نیز زیانبار می‌سازد. زبان هم گل دارد هم خار؛ هم اصلاح می‌کند هم خراب ؛ هم راست گفته می‌تواند و هم دروغ . در یک لحظه خدایی است و اگر جلو آنرا رها کنیم شیطانی میشود .

از سوی دیگر، زبان، ترجمان قلب انسان و آنچه در وجود اوست می باشد. ، محتویات درونی وی به شکل کلمات بر زبانش ظاهر می شود. به تعبیر دیگر، زبان، آئینه تمام نمای وجود انسان است؛ اگر جز ناپاکی و ناگفتنی از زبان جاری نمی شود، نشانه سنگ دلی و کدورت قلب است ..

زبان با وجود کوچکی، مسؤولیت سنگینی برای انسان ایجاد می کند، زیرا وظیفه بزرگی به عهده آن گذاشته شده است و چه وظیفه ای بزرگ تر و سنگین تر از این که کفر و ایمان تنها با زبان آشکار می شود. زبان با گفتن شهادتین، بزرگ ترین جزء از اجزای ایمان را به جا می آورد و با انکار آن، انسان را در شمار کافران جای می دهد.

زبان، سرچشمه گناهان فراوانی است. هر يك از اعضای بدن، اسباب و امکاناتی می خواهند تا به انحراف کشانیده شود، ولی زبان یگانه عضو بدن است که به آسانی و بدون مقدمات، راه گناه و خطا را می پوید و مرتکب معصیت می شود؛ گناهی که نه تنها برای افراد، بلکه برای اجتماع نیز زیان آور است. به همین علت، اسلام با توصیه های فراوان، از پیروانش خواسته است تا سخن بیجا بر زبان جاری نکنند و از هر کلمه و کلامی که شخصیت دیگران را داغدار و لکه دار می سازد، پرهیز کنند.

شخصیت انسان از صفاتی تشکیل می شود که خود آن صفات دیدنی نیست، ولی اثر آن را در کارهای انسان می توان دید. این صفات دو گونه اند: برخی از آنها به آفریننده جهان مربوط است که آموختنی و در اختیار انسان نیست، مانند اصل عقل؛ بخشی دیگر در اختیار انسان است که می تواند آنها را در بعد مثبت با کوشش به دست آورد، مانند دانش (فضایل اخلاقی) و در بعد منفی از خود دور کند، مانند: دروغ (رذایل اخلاقی). بسیاری از صفات خوب و بد، با سخن گفتن به وجود می آید و سکوت، پرده ای است که روی آنها می افتد. پس با سخن گفتن، پرده به يك سو می رود و عیب و هنر آدمی نمودار می شود.

چی زیبا است که می فرماید: «الجمال فی اللسان» (زیبایی در زبان (انسان) است. این سخن، در برگرفته همه زیبایی هائی است که شخصیت انسان را تشکیل می دهد و نباید آن را در معنائی محدود زندانی کرد.

آفتهای زبان:

قرآن عظیم الشان در سوره حجرات خطاب به مؤمنان می فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ خَيْرًا مِّنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْإِسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (سوره الحجرات ۱۱)

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده اید! گروهی (از مردان) گروه دیگر را مسخره نکند، شاید آنان (مسخره شدگان) از اینها بهتر باشند، و نه زنانی، زنان دیگر را. شاید آنان (مسخره شدگان) از اینها بهتر باشند و از یکدیگر عیبجویی نکنید، و یکدیگر را با القاب زشت نخوانید. که پس از ایمان (آوردن) نام فسق بسیار (زشت و) بد است و هر که توبه نکرد، پس آنانند که ستمکارند.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ» (سوره الحجرات: ۱۲)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از گمانها بپرهیزید که پاره‌ای از گمانها گناه است و جاسوسی نکنید و بعضی از شما غیبت بعضی نکند آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده‌اش را بخورد پس از آن کراهت دارید و از الله بترسید که الله توبه‌پذیر مهربان است.»

و رسول گرامی اسلام نیز در سخنان گوهر بارشان بارها ما را از استفاده نادرست از زبان ، این امانت الهی بازداشتند چنانچه می فرمودند: «فعن معاذ بن جبل قال، قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (... ثم قال: ألا أخبرك بملاك ذلك كله؟ قلت: بلى يا رسول الله. فأخذ بلسانه وقال: كف عليك هذا قلت: يا رسول الله، وإنا لمؤاخذون بما نتكلم به؟ فقال: ثكلتك أمك يا معاذ وهل يكب الناس في النار على وجوههم أو قال: على مناخرهم إلا حصائد ألسنتهم). (رواه الترمذی وقال: حديث حسن صحيح)

در این حدیث طولانی پس از این که رسول الله یار باوفایش معاذ بن جبل رضی الله عنه را به ارکان اسلام و قله های بلند آن همچون نماز و روزه و زکات و جهاد فراخواند سپس خطاب به او می فرماید: آیا تو را به قوام و پایه تمامی این کارها آگاه نسازم؟ (معاذ رضی الله عنه می گوید:) گفتم آری ای رسول الله. پس او زبان خود را در دست گرفت و فرمود: این را حفظ کن. (معاذ می گوید:) گفتم ای رسول الله ، آیا ما به گفته هایمان مؤاخذه می شویم؟ پس (رسول الله) فرمود: (مادرت به عزایت بنشیند) ای معاذ، آیا چیزی جز نتایج و کاشته های زبان های مردم آنان را با صورتهایشان در آتش می افکند؟! ادامه دارد